

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ اکتوبر ۲۰۲۲

"آی. اس. آی." و انتقال مسؤلیت استخبارات طالب به "سیا"؟!

یکشنبه - ۱۷ میزان ۱۴۰۱ - کابل: به گزارش سی.ان.ان، "دیوید کوهن"، معاون سازمان اطلاعات مرکزی CIA "سیا" و "تام وست"، نماینده ویژه امریکا برای افغانستان روز شنبه شانزدهم میزان با هیأت طالبان شامل "عبدالحق وثیق"، رئیس استخبارات نظام ماسالار در قطر دیدار و مذاکره کردند. در یادداشت امروز بحث مختصری به همین ارتباط خواهیم داشت، اما نخست:

۱- "عبدالحق وثیق" هر چند ظاهراً به مانند تمام زمامداران و رهبران نظام ماسالار "ملا" به نظر می رسد، مگر در واقعیت امر، یکی از دست پرورده های نخبه استخبارات نظامی پاکستان "آی. اس. آی" می باشد. "عبدالحق وثیق" خلاف بیشتر اعضای طالب که روابط شان با "آی. اس. آی" شکل جنبی و فرعی داشت و ناگزیر بودند همزمان با انجام وظایف محوله دیگر مرتباً به "آی. اس. آی" گزارش کارشان را بدهند، نامبرده از اساس تربیت استخباراتی دیده در پیوند نزدیک با "آی. اس. آی" به مثابه محور کارهای استخباراتی طالب اجرای وظیفه می نمود، برای وی انجام سایر کار ها از فعالیت تبلیغی گرفته تا شرکت در جنگ، جنبه فرعی و جنبی داشته عمدتاً هدف از آن اشتغالات کتمان هویت استخباراتی نامبرده بود.

"عبدالحق وثیق" به گفته مردم ما "تفنگ پشت کندوی" استخبارات نظامی پاکستان بود که جهت حفاظت از خودش نمی خواست دوست و دشمن از وجودش مطلع شوند.

۲- این که بین "وثیق" و "سیا" چه گذشت و روی کدام مطالب با هم صحبت نمودند با تمام ارزشی که دارند در مقایسه با نفس تماس مستقیم بین آنها، در درجه دوم قرار می گیرد. این نکته از آنجا ناشی می شود که بدانیم نه تنها در جریان یک سال حاکمیت نظام ماسالار، استخبارات نظام، به مثابه شاخه ای از تشکیلات "آی. اس. آی" عمل می نمود بلکه اصولاً از همان آغاز ایجاد نهادی به نام طالب، استخبارات آنها در تمام این سالها مستقیماً از "آی. اس. آی" اداره و رهبری می شد و از قرار شنیدگی ها، دولت پاکستان و "آی. اس. آی" هیچ گاهی حاضر نبودند تا مهار آنها را به دست کدام نیروی استخباراتی دیگر بسپارند.

حال وقتی این تماس صورت می گیرد، این که در چه مورد صحبت نموده اند زیاد اهمیت ندارد مهم آن است که "آی. اس. آی" حاضر شده تفنگ پشت کندویش را حد اقل با "سیا" آشنا سازد. در نتیجه این حرکت می تواند بستر روابط

نزدیکتر و مستقیمتر بین نظام ملا سالار و امپریالیسم امریکا را چنان فراهم نماید که در صورت تکامل، دولت پاکستان و "آی. اس. آی" از آن بیرون بمانند.

۳- انگیزه این انتقال و ایجاد رابطه مستقیم بین استخبارات طالب و "سیا" هرچه باشد نتایجی که بار خواهد آورد، از یک سو به کنار گذاشته شدن "آی. اس. آی" از امور افغانستان و از جانب دیگر غرق شدن بیشتر "سیا" در گنداب و مرداب نظام ملا سالار می باشد.

این که "آی. اس. آی" حاضر شده چنین مهره اساس و کارآمدی را به "سیا" تقدیم نماید، اگر پای نیازمندی های پولی و احتیاجات مادی دولت پاکستان در میان نباشد و روزگار بد آنها را وادار نساخته باشد، تا تفنگ پشت کندوی شان را به فروش برسانند، یقیناً هراس آن ها از اوضاع کنونی افغانستان و تکامل آن به طرف یک بحران اجتناب ناپذیر همان مردابی که قبلاً بدان اشاره نمودم، باعث شده است تا در موقعیت فعلی زمام امور اداره استخبارات طالب را به "سیا" بسپارد.

یکی از دلایل دیگر این انتقال می تواند، تعهداتی باشد که پاکستان مستقیماً با اعضای گروه شانگهای از چین و روسیه گرفته تا هند و تاجیکستان و ... دارد. این تعهدات باعث می گردد که "آی. اس. آی" نتواند آن طوری که می خواهد نظام ملا سالار و استخبارات آن را به کار وادار سازد، برای نجات از چنین وضعیتی لازم دیده اند تا مهار طالب را مستقیماً به دست "سیا" بسپارند.

واضح است که چنین انتقالی برای نظام ملا سالار یک گام به جلو و یک امتیاز شمرده می شود و به آنها این امکان را فراهم می سازد تا بدون واسطه مستقیماً از الطاف امپریالیسم امریکا بهره مند شوند.

۴- علی رغم آن که به ارتباط دلیل چنین تماس و انتقالی به مانند همیشه شایعه سازی های زیادی در سرچوک شنیده می شود، مگر به باور من اساسی ترین دلیل، تعمیم دو ماده مخفی معاهده دوحه است. مواد مخفی شده ای که طالب عملاً ظرفیت رازداری خود را با کتمان آن به اثبات رسانید و می تواند به ضرر مردم افغانستان، کشورها و خلقهای منطقه باشد ورنه نیازی به کتمان آن وجود نداشت.

آنچه از مجموع این دیدار می توان نتیجه گرفت این است: طالب و نظام ملا سالار در آستانه تحول به به یک شریک قابل اعتماد "سیا" و امپریالیسم امریکا قرار دارد. این شراکت می تواند بزرگترین آرزوی طالب را که شناسائی اش از جانب قدرت های بزرگ است، برآورده ساخته، برای خلقهای افغانستان دهشت طولانی تر طالب را به ارمغان بیاورد.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!